

# مسائل اخلاقی و آیین رفتاری در رابطه با حرفه روزنامه‌نگاری و رسانه‌ها

ترجمه و اقتباس: دکتر علی محمدی

## مقدمه:

این مقاله اقتباس و ترجمه کتاب مسائل اخلاقی در روزنامه‌نگاری و رسانه‌ها ویراسته دکتر علی محمدی است. این کتاب شامل یازده فصل و یک کتابنامه ویژه اخلاق در رسانه‌ها و روزنامه‌نگاری است. نویسندگان هر یک از فصول کتاب، افراد زبده دانشگاهی هستند که اغلب آنان در این زمینه در دانشگاه‌های بریتانیا تدریس می‌کنند. در این مقاله موارد و موضوعات عام و کلی مربوط به مسائل اخلاقی در روزنامه‌نگاری و رسانه‌ها از کتاب مذکور اقتباس و ترجمه شده است.

کتاب موردنظر شامل یازده فصل است که موضوعات آن عبارتند از:

**فصل اول** درباره اخلاق، سیاست رسانه‌ها و موضوع کیفیت بحث می‌کند.

**فصل دوم** توجه به حرفه روزنامه‌نگاری در بازار دارد.

**فصل سوم** بیشتر در زمینه سردبیران و ارباب جراید بحث می‌کند.

**فصل چهارم** به گفت‌وگو درباره آزادی بیان و قوانین مربوط به رسانه‌ها می‌پردازد.

**فصل پنجم** به‌طور دقیق به آیین رفتاری روزنامه‌نگاران توجه دارد.

**فصل ششم** درباره احوال شخصی، سیاست و عمومی کردن اطلاعات شخصی است.

**فصل هفتم** پیرامون روزنامه‌نگاری تحقیقاتی و پژوهشی است.

**فصل هشتم** درباره عینیت و مخدوش کردن واقعیت است.

**فصل نهم** توجه به موضوع زنان و مطبوعات دارد.

**فصل دهم** درباره هراس افکنی و عمومیت دادن و محدودیت گزارشگری است.

**فصل یازدهم** به حقیقت مسائل اخلاقی و ارزشها پیرامون گزارشگری جنگ می‌پردازد.

## فصل اول

### اخلاق و سیاست رسانه‌ها در رابطه با کیفیت روزنامه‌نگاری

روزنامه‌نگاری یک حرفه شرافتمندانه است؛ گرچه بسیاری از دست‌اندرکاران مطبوعات چندان احترامی برای این حرفه قائل نیستند و بسیاری از دولتها هم با گرایش به ایدئولوژی در جهت سانسور و نظارت بیشتر بر مطبوعات تلاش می‌کنند.

اربابان جراید هم برای کسب بیشتر قدرت، شهرت و ثروت می‌کوشند. البته در این اوضاع سخت و مخاطره‌انگیز، روزنامه‌نگاران همچون واژه‌هایی هستند که برای تنظیم هماهنگی ترانه‌ها به کار برده می‌شوند؛ گاهی در تقبیح رشوه‌خواری و گاه در برجسته کردن اخلاق روزنامه‌نگاری قلم می‌فرسایند و مردم هم مصرف‌کنندگانی هستند که چاره‌ای جز پذیرش درهم‌ریختگی هنجارهای حرفه روزنامه‌نگاری ندارند. البته نباید فراموش کرد که با همه این ناهنجاریها روزنامه‌نگاری حرفه‌ای بس محترم و شرافتمندانه است، چون دارای هدف والایی مانند توزیع خبر و اطلاعات و تفسیر دقیق آن با عقاید متفاوت است. البته این کار آسانی نیست زیرا سلامت جامعه همیشه در گرو آزادی قلم است. جامعه‌ای که ادعای دموکراسی دارد حیات آن وابسته به این فرایند است. حرفه روزنامه‌نگاری علاوه بر اشاعه دموکراسی، هدفهای دیگری نیز باید دنبال کند مانند نوعی گزارشهای تفریحی و سرگرم‌کننده که بیشتر تابع هدف کلی توزیع اطلاعات و تفسیر اخبار باشد. در آغاز قرن بیست و یکم، کیفیت روزنامه‌نگاری در فرایند جهانی شدن خواهان اطلاعات بیشتری است که در جهان معاصر بسیار مهم است. این نکته همیشه باید در شرایطی مدنظر روزنامه‌نگاران باشد.

بحث اول این کتاب بر چهار محور متمرکز است.

محور اول بیشتر بر بستر جهانی شدن و تحولاتی که به‌طور سریع در این زمینه به‌وجود آمده است تمرکز دارد. امروز فرصتهایی که به علت نیاز جهانی شدن به‌وجود آمده است، مانند ضرورت‌های جامعه اطلاعاتی و نیازهای انسان در قرن حاضر این پرسش را مطرح می‌کند که ما در آینده چگونه می‌خواهیم زندگی کنیم. سیاستهای جهانی امروز مسائلی را مطرح می‌کند که ساختارهای خودکامه دیگر قادر به ادامه حیات خود نیستند بلکه مزاحم پیشرفت بشر هستند. جهان آینده در جست‌وجوی گزینه‌ای است که بیشتر به شرکت دموکراتیک مردم بستگی دارد و این فرایند بدون دسترسی به اطلاعات درست امکان‌پذیر نیست. مردم دنیا بیشتر در پی آنند که زندگی پایدار داشته باشند و در این مورد مسلماً نیاز به رسانه‌ها امری اجتناب‌ناپذیر است. اکنون رسانه‌ها را می‌توان مطبوعات، وسایل پخش و آنچه به توزیع اطلاعات کمک می‌کند نامید. آنچه مسلم است روزنامه‌نگاران تهیه‌کننده اطلاعات ضروری برای مردم جهان هستند. امروزه مسائلی که بشریت با آن روبه‌روست ترکیبی از یک مجموعه ناپایدار سیاست و علم است؛ به این معنا که

مسائل مربوط به محیط‌زیست در رابطه با منابع طبیعی و ازدیاد جمعیت، روز به روز موجب فزونی مسائل نگران‌کننده‌ای مانند موضوع تغذیه گرسنگان و توزیع عادلانه غذا شده است. همزمان با فرایند فزونی جمعیت از یک سو و آلودگی محیط‌زیست از سوی دیگر به ویژه اثرات مخرب محیط‌زیست گلخانه‌ای بسیار نگران‌کننده شده است.

محور دوم افزون بر آنچه گفته شد رقابتهای ملی برای دستیابی به منابع طبیعی از یک سو و تفاوت‌های مذهبی و تعصبات خطرناک از سوی دیگر به تشنج در روابط بین‌المللی دامن می‌زنند و احتمال آشوب در نظام موجود جهانی را بعد از سقوط شوروی سابق تقویت می‌کنند. رقابتهای هسته‌ای و سلاح‌های کشتار جمعی در بین کشورهای در حال توسعه، موجب نامطمئن شدن آینده جهان شده است.

امروزه علم برای بشر به یک موضوع بغرنج تبدیل شده است. در عین حال که علم می‌تواند بسیاری از مسائل بشری را حل کند همین‌طور هم می‌تواند مسئله‌ساز باشد و زندگی بشر را تهدید کند. به جای آن که با کاربرد علم مشکلات و مسائل بشری را حل کنیم درست برعکس علم یک کالای جذاب در بازار است مانند ساختن ایستگاه‌های انرژی اتمی یا پایگاه‌های دستگاه‌های پیشرفته جاسوسی، مهندسی هوش مصنوعی و تولید و تهیه نوزاد آزمایشگاهی از نقطه نظر ژنتیک که همه در مورد رونق آن صحبت می‌کنند و هیچ‌کس این پرسش را مطرح نمی‌کند که پیامد تبدیل علم به کالا بدون توجه به نیاز مبرم بشر و مضرات زیست‌محیطی چه فاجعه‌ای ممکن است برای بشر قرن بیست و یکم به وجود آورد؟ بدون شک پرسش‌های مربوط به ارتباطات و جامعه اطلاعاتی به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. موضوع تولید، تکثیر، مصرف، مالکیت و نظارت بر سخت‌افزارها و نرم‌افزارها موضوعاتی است که هر روز با آن روبه‌رو هستیم.

اشتباه بزرگی است اگر همان‌قدر که برای منابع طبیعی و غذایی اهمیت قائل هستیم، به اطلاعات و منابع ارتباطی توجه خاص نداشته باشیم؟ تمام پرسش‌های مربوط به اطلاعات همیشه منوط به کیفیت اطلاعات است چون کیفیت بسیار مهم است. امروزه در غرب دولتها بیشتر به نگرش بازار به ارتباطات توجه دارند ولی چندان به آزادی جزایی اطلاعات علاقه‌مند نیستند. پرسش مهمی که امروز برای هر دولتی مطرح است این است چه مقدار اطلاعات باید در اختیار مردم قرار گیرد. جالب است بدانید که «جبهه نجات اسلامی» در انتخابات الجزایر در اوایل دهه ۱۹۹۰ پیشنهاد کرد که جنبش سیاسی زنان در مورد جامعه مدنی باید مغلوب شود. در این راستا آزادی و استقلال مطبوعات هم به چالش کشیده شد. ولی در عمل آنها مواجه با شکست شدند. البته نباید فراموش کرد که مطبوعات را می‌توان تعطیل کرد و روزنامه‌نگارانی را به محاکمه کشید. حتی در شوروی سابق با کنترل دقیق بر انتشار مطبوعات و تعداد ماشینهای تکثیر و حتی ماشینهای تحریر، قادر نبودند مطبوعات زیرزمینی معروف به «سامی ضاد» Sami Zad را کنترل کنند. امروزه در سطح

جهانی نیاز شدیدی به اطلاعات وجود دارد تا مردم بتوانند نقش خودشان را به عنوان شهروند جهانی به خوبی ایفا کنند. البته این پرسشها مسائلی مانند سود، قدرت و رقابت را در دنیای رسانهها مطرح می‌کند ولی کیفیت در محتوای رسانهها بیشتر با توجه به میزان آزادی در کار آنها مطرح می‌شود. اینجا بیشتر آزادی مطبوعات، آزادی در انتخاب دولتمردان یا آزادی شرکتها و افرادی که مالک آنان هستند مورد توجه است زیرا آنها می‌توانند بخش عمده رسانهها را خریداری کنند و تصویری را که می‌خواهند در رسانه‌های خود منعکس کنند. حال اینجا این پرسش مطرح است که آیا این به استقلال سردبیران مربوط است که آزادانه اطلاعاتی را که می‌خواهند از طریق رسانه‌های الکترونی پخش کنند؟ و پرسش دیگر این که آیا این آزادی جزء حرفه روزنامه‌نگاری است؟ آیا آنها آزادند عقاید خود را مطرح کنند حتی بدون ترس از دست دادن شغل خود؟ یا آزادی به حدی است که افراد عادی جامعه بتوانند اطلاعات مورد نیاز خود را آزادانه دریافت کنند به‌ویژه درباره همه موضوعاتی که در زندگی و منافع آنان دخیل است.

محمور سوم نظارت بر کیفیت حرفه روزنامه‌نگاری از منظر اخلاق و قانون است. موضوع کیفیت در ارتباط با آزادی مطبوعات و وظایف عمده رسانه‌های ارتباط جمعی یکی از مهمترین پیکره‌های دمکراسی سالم در جامعه است. در ایالات متحده امریکا ماده اول قانون اساسی مدافع آزادی مطبوعات است. همین‌طور در کشور انگلیس قوانین متعددی چه از نظر جنایی و چه از نقطه نظر حقوق مدنی رسانه‌ها محدودیت دارند ولی قانون در اصل مدافع یک مکانیزم ناظر بر کیفیت کار آنها است. با توجه به موضوع اخلاق و آیین ارزشهای مستتر در جامعه، قوانین عمومی با تمام ویژگیهای خود، چندان قادر به نظارت کامل بر رسانه‌ها نیست. در بسیاری از کشورها و از جمله انگلیس رسانه‌های سازمانهای پخش تابع قوانین اخذ مجوز پخش هستند. یک کمیسیون مستقل در مورد پخش تلویزیون و رادیو تصمیم می‌گیرد و یک شورای عالی بر کار آنها نظارت دارد.

در انگلیس در مورد مطبوعات هیچ سازمان حقوقی که بتواند کار نظارت را انجام دهد وجود ندارد. در عوض یک کمیسیون رسیدگی به شکایات مطبوعاتی وجود دارد که بیشتر ناظر آیین‌نامه‌های اجرایی در مطبوعات است.

از این رو قوانینی که مانع آزادی عمل در مطبوعات باشد، به‌طور جدی وجود ندارد ولی یک سلسله قوانین و آیین‌نامه‌های قانون‌مدار با تأکید بر مسئولیت اجتماعی فردی وجود دارد که اغلب مسئولیت را متوجه ارباب جرایم می‌کند تا دخالت مستقیم قانون.

محور چهارم اخلاق و آیین‌نامه‌های حرفه روزنامه‌نگاری است. پژوهش‌های میدانی نشان داده است که روزنامه‌های مردمی چندان مورد اعتماد عموم مردم نیستند و از نظر اخلاقی رعایت اصول هنجارهای فرهنگی را نمی‌کنند. از این رو کمیسیون مطبوعات در انگلیس پیشنهاد کرده است برای حفظ کیفیت کار روزنامه‌نگاری یک سلسله آیین‌نامه‌های اخلاقی برای تعیین تفاوت روزنامه‌نگار مسئول و غیرمسئول تنظیم شود تا بتوان به آسانی کار آنها را که به آیین‌نامه توجه ندارند متوقف کرد. اخیراً برای تسریع در کار می‌خواهند الگوی رفتاری حرفه پرستاری را درباره روزنامه‌نگاران نیز اجراء کنند. به این معنا اگر روزنامه‌نگاری اصول اخلاقی و آیین‌نامه رفتاری روزنامه‌نگاری را زیر پا گذاشت مانند حرفه پرستاری که غفلت در اصول رفتار و هنجارشکنی باعث اخراج از شغل پرستاری می‌شود با روزنامه‌نگار هم همین‌طور برخورد کرد. البته پرسشی در این زمینه مطرح است: آیا میزان لطمه‌ای که پرستار به یک بیمار می‌زند مساوی با ضرری است که یک روزنامه‌نگار هنگام برملاء کردن زندگی خصوصی یک دولتمرد یا سیاستمدار وارد می‌سازد؟ باید توجه داشت که میزان ناراحتی و شرمندگی که برای یک خانواده در هنگام حمله به حریم خصوصی آنها به وجود می‌آید به مراتب شدیدتر و اثرات آن طولانی‌تر از خطای یک پرستار در مورد وظیفه‌اش نسبت به یک بیمار است. صادر کردن مجوز فعالیت برای روزنامه‌نگاران مانند حرفه پزشکی که بیشتر با کار عملی در برابر بیمار روبه‌روست کار آسانی نیست. در کشور انگلیس حمایت چندانی نسبت به جواز کار برای روزنامه‌نگاران وجود ندارد چون میزان شرافت و درستکاری روزنامه‌نگار یک امر وجدانی و اخلاقی است. از این رو نمی‌شود شدت و ضعف را با صدور جواز کار تعیین کرد.

## فصل دوم: روزنامه‌نگاری و جهان تجارت

محور اصلی بحث مدافعان بازار آزاد بر مبنای آزادی اقتصاد استوار است و آن را ضامن رشد دموکراسی می‌دانند. نقش روزنامه‌نگار و مطبوعات موضوع اصلی این فصل است چون مطبوعات رابط بین بازار و دموکراسی است.

اکنون بازار آزاد که تابع مطبوعات آزاد است، به وجود آورنده افکار متفاوت و در دسترس قرار دادن منظم اطلاعات برای شهروندان است که به‌طور مسئولانه بتوانند در دموکراسی انجام وظیفه کنند. کاملاً واضح است که آزادی بازار، روزنامه‌نگاری و دموکراسی به همدیگر وابسته‌اند و یک نهاد سه‌گانه در جامعه باز هستند. موقعیت اقتصاد اختیارگرا (Liberal) در ارتباط با ماده اول قانون اساسی امریکا مورد توجه بوده است و همین‌طور قانون زدایی از رسانه‌ها در اروپا هم لحاظ شده است. باید توجه داشت همیشه یک تنش بین هدفهای روزنامه‌نگاری و بستر اجرای بازار وجود دارد. چون بازار همیشه به توزیع اطلاعات و گسترش

افکار متفاوت که ضرورت دموکراسی در جامعه است نیاز دارد. یک بازار آزاد، ضرورت مطبوعات آزاد و همین‌طور مطبوعات آزاد عامل اصلی آزادی بیان است. طبیعی است که آزادی مطبوعات عامل اصلی آزادی بیان است. برای مثال مطابق با ماده اول قانون اساسی امریکا، کنگره حق تغییر، تعدیل یا تعویض در ماده اول را بلاخص ندارد و به هیچ‌وجه نباید آزادی بیان محدود شود.

انتخاب موضوع و مطالب مندرج در روزنامه و تصمیم درباره محتوا، میزان و اندازه و نحوه پرداختن به موضوعات مورد علاقه عموم و یا دولتمردان از نقطه نظر مصلحت‌اندیشی در حوزه قضاوت و نظارت مستقیم و مسئولیت سردبیر قرار می‌گیرد. آنچه قدرت سردبیر را قانونی می‌کند، حق مالکیت است. چون مطبوعات در دنیای بازار مانند یک ملک خصوصی است. سردبیر مالک آن چیزی است که چاپ می‌شود. سردبیر به‌مانند مالکی است که حق دخل و تصرف و مدیریت در آن ملک را دارد. ولی نباید فراموش کرد که روزنامه‌نگاری حرفه‌ای است که دارای ارزشهای محدود به خود حرفه است و تابع شرایط جامعه‌ای است که در آن ایفای نقش می‌کند. در نظامهای نظارتی، سردبیران منعکس‌کننده گروههای نظارتی جامعه هستند که مطابق ارزشهای مستقر در آن جامعه عمل می‌کنند.

### روزنامه‌نگاری در عمل چیست؟

برخی شغلها مانند پزشکی یا معلمی یک نوع رضامندی درونی و رستگاری اخلاقی برای انسان دارد. روزنامه‌نگاری هم از همین نوع حرفه‌هاست. درست مانند شغل پزشکی که پزشک بالاخره باید حقیقت را بگوید. روزنامه‌نگاری هم همین‌طور است. البته با نگارش برای برنامه‌های سرگرمی و تفریحی روزنامه‌نگار همیشه نمی‌تواند حقیقت را بیابد همان‌طور که یک پزشک هم همیشه قادر نیست سلامت جامعه را صددرصد تأمین کند. این یک امر طبیعی است که اغلب در عمل ممکن است موفق شوند ولی عدم موفقیت ناشی از روند خاصی است. مانند انتقاد یک دکتر از یک نهاد پزشکی در مورد عدم رعایت نظام بهداشت یا سلامت جامعه. این یک انتقاد داخلی یا به عبارت دیگر انتقاد از خود است. جالب توجه است که بدانیم پزشکی در عمل به آنچه هدف نهایی آن بوده موفق نشده است. همین‌طور می‌توان از کار روزنامه‌نگاران در رادیو، تلویزیون و مطبوعات یا ایستگاههای رادیو و تلویزیون انتقاد کرد. براین اساس که آنها نتوانسته‌اند وظیفه خود را به‌نحو احسن انجام دهند و حقایق را آن‌طور که شاید و باید شرح دهند. البته جای بحث است که در پزشکی و روزنامه‌نگاری مسائلی ممکن است پدید آید که نه روزنامه‌نگار و مطبوعات بتوانند کار خود را درست انجام دهند و نه پزشک و نهادهای بهداشتی بتوانند به سلامت جامعه

خدمت کنند. ولی هیچ وقت با یک گل بهار نمی شود و همیشه همه را نمی شود با یک چشم نگاه کرد. در حقیقت وظیفه مسلم روزنامه نگاری، بیان حقیقت و آگاهی بخشی است.

اگر عینک بدبینی را کنار بگذاریم، مشاهده می کنیم که نتیجه کار روزنامه نگار در ویژگیهای کیفی کار او نهفته است و همین نکته روزنامه نگاری را با ارج و منزلت می کند. مهارت های فنی بخشی از هنر روزنامه نگاری است که توان ساختن قصه را برای بیان یک سلسله گسترده از ارزشهای اخلاقی ممکن می سازد. این قصه های گزارشی به شناخت و کشف حقایق کمک می کنند. برای مثال یکی از ارزشهای روزنامه نگاری قبول درستی و شرافت گروه های ناظر بر کار آنهاست. موضوع دیگری که در حرفه روزنامه نگاری بسیار مطرح است مسئله عینیت است. چرا که برخی از روزنامه نگاران بر این عقیده اند که بسیار مشکل است که بتوان در یک گزارش بی طرف بود.

روزنامه نگاری در دنیای بازار و به عنوان یک رسانه برای بحث باید آزاد عمل کند. روزنامه نگاری از نظر تاریخی دارای نقش ویژه ای در فرایند دموکراسی است. در فرایند دموکراسی نقش مطبوعات به عنوان فرایند آزادی عاری از هرگونه محدودیت تعریف می شود. در اصل مالکین روزنامه ها و سردبیران و روزنامه نگاران قادر هستند انگیزه هایی برای علاقه مندان با انتشار حقایق و عقاید متفاوت به وجود آورند. زیرا بدون چنین زمینه ای عموم مردم نمی توانند در انتخاب خود قضاوت مسئولانه داشته باشند. روزنامه نگاری آزاد، شرط ضروری دموکراسی است. باید توجه داشت که این نظریه بر دو پیکره استوار است. اولین پیکره رسانه ها را به عنوان ناظر بر اعمال دولت معرفی می کند. در شرایطی که مطبوعات قدرت مستقل عظیمی به دست آورده اند و در حقیقت به عنوان قدرت چهارم بر دیگر بخشهای دولت نظارت دارند.

دومین پیکره شرط لازم برای یک شهروند مطلع و نقاد مطبوعات است چرا که روزنامه نگار تهیه کننده اطلاعات در مورد مسائل مهم جامعه است و اغلب عموم مردم بدون آن قادر به قضاوت صحیح نیستند. مضافاً این که وظیفه یک بحث آزاد برای عموم در مورد مسائل مهم را فراهم می آورد و تلاش عمده بر این است که افکار متفاوت کاملاً تبیین شود. آشکارا رابطه میان امتیازات روزنامه نگاری که در آخرین بخش مطرح شده است و وظایفی که روزنامه نگار باید انجام دهد کاملاً مشخص است. زمانی که میان بیان حقیقت حوادث معاصر - که بخشی از وظیفه روزنامه نگار است - و روزنامه نگار زبده رابطه مستقیمی وجود دارد پس می توان اظهار داشت که روزنامه نگاری در خدمت به وجود آوردن شهروندان مطلع، نقاد و سیاسی است. برای (لیبرالها) اختیار گراها، پیوند مبارک روزنامه نگاری و دموکراسی فقط و فقط با آزادی بازار امکان پذیر است. این بازار است که توسط قدرتهای سیاسی محدود نمی شود و می تواند بهترین چارچوب

نهادینه شده را برای مطبوعات به وجود آورد تا مطبوعات بتواند نیازها را برآورده کند. به طور کلی در برخی موارد بازار می تواند موانعی در ارتباط بین دمکراسی و روزنامه نگاری به وجود آورد. در این مواقع برای بقا در بازار مطبوعات باید به آنچه مصرف کنندگان ترجیح می دهند پرداخت. همان طور که دو توکوویل می گوید؛ یک روزنامه در صورتی می تواند به حیات خود ادامه دهد که برای احساسات و عواطف عموم مردم احترام قایل شود. البته باید توجه داشت رسانه ها در یک بازار آزاد در خدمت دمکراسی هستند ولی این دمکراسی خاص بازار است. دمکراسی هر وقت در بازار به طور سیاسی عمل کند به یک وسیله برای منفعت رساندن مبدل می شود چون تابع بازار است و بیشتر به برتریهای منافع توجه دارد. در این شرایط رسانه ها در بازار آزاد فقط در خدمت منافع گروه های خاصی هستند که بهتر می توانند نفوذ به دست آورند. باید توجه داشت دمکراسی یک بازار نیست بلکه وسیله بحث آزاد است که بتواند به شهروندان اطلاعات لازم را برساند تا به طور منطقی بتوانند در مورد مسائل مورد نظر بحث و گفت و گو کنند. نباید فراموش کرد که دمکراسی در جریان بحث و گفت و گوی آزاد توسط رسانه هایی که پیوسته به بازار توجه دارند تحت تأثیر قرار می گیرد و باید آشکارا گفت رسانه های وابسته به بازار نمی توانند در خدمت آن گونه دمکراسی قرار گیرند که تاکنون در نظام توزیع اطلاعات وجود داشته است. از دو نوع نظام توزیع اطلاعات یکی متمرکز و تحت نظارت دولت و دیگری کاملاً غیر متمرکز با توجه به بازار آزاد عمل می کند.

### **فصل سوم: مالکان نشریات، سردبیران و روزنامه نگاران**

این بخش بیشتر به روابط روزنامه نگاران، مالکین روزنامه ها در غرب به خصوص انگلیس توجه دارد و هر یک از روزنامه های مردمی را با ویژگیهای محتوایی و همین طور با توجه به تنشهایی که از نظر آیین رفتاری با سردبیران و سیاستمداران به وجود می آورد تشریح می کند. در شرایط فعلی مطبوعات ما، نیازی به اقتباس از این بخش نیست چون در حال حاضر اغلب مطبوعات دولتی هستند یا بدون کمک دولت قادر به ادامه حیات خود نیستند. بنابراین ضرورتی نمی بینم قسمتهایی از این بخش در اینجا درج شود.

### **فصل چهارم: گفتاری در زمینه آزادی بیان در ارتباط با قانون و رسانه ها**

بحث این فصل بیشتر به محدودیتهای قانونی در مورد آزادی بیان است. به عنوان مثال اگر کارمند سازمان جاسوسی انگلیس قصد انتشار خاطرات خود را داشت با چه محدودیتهایی از نظر قانونی روبه روست. از آنجا که اغلب مسائل مطرح شده در این فصل، خاص کشور انگلیس است ترجمه آن قابل ملاحظه نخواهد بود.



## فصل پنجم: درباره آیین‌نامه رفتاری روزنامه‌نگاران

در کشور انگلستان، آیین‌نامه رفتاری روزنامه‌نگاران موضوع جالبی است. در حال حاضر بیش از ۳۵۰ سازمان حرفه‌ای وجود دارد که هر کدام دارای آیین‌نامه رفتاری جداگانه‌ای هستند. در برخی دیگر از کشورهای اروپایی و امریکای شمالی هم وضع نسبتاً شبیه به انگلیس است. نکته قابل توجه این که اغلب کشورهای آیین‌نامه رفتاری روزنامه‌نگاران را از همدیگر اقتباس کرده‌اند. اغلب کشورهای اروپای غربی، امریکای شمالی، ونزوئلا، مصر، کره جنوبی، جامائیکا و مالی دارای چنین آیین‌نامه‌های رفتاری هستند. برخی از کشورها بیش از دو آیین‌نامه رفتاری دارند. در کشور انگلستان چون اتحادیه‌های کارگری بسیار قوی هستند، هر کدام، یک سلسله آیین‌نامه‌های رفتاری برای روزنامه‌نگارانی که در رسانه‌های پخش مشغولند و همین‌طور آنهایی که صرفاً در مطبوعات کار می‌کنند وضع کرده‌اند. به هر حال میان حرفه و گروهی که یک سلسله آیین‌نامه‌های رفتاری را قبول دارند و روزنامه‌نگارانی که در مطبوعات کار می‌کنند یا آنهایی که در رادیو و تلویزیون مشغولند تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود ندارد. چارچوب قوانین در رابطه با آیین‌نامه‌های متفاوت رفتاری و اخلاقی تفاوت شایان توجهی ندارد بلکه بی‌نهایت به همدیگر شباهت دارند. برای مثال برملاء کردن احوال شخصی یا شنود مکالمه تلفنی به‌طور غیرقانونی در یک کشور ممکن است جنایت تلقی شود اما در کشور دیگر این‌گونه نباشد. حال باید پرسید چه کسانی از آیین‌نامه رفتاری استفاده نمی‌کنند؟ مردم عادی معمولاً از وجود آیین‌نامه رفتاری نهایت بهره‌برداری را می‌کنند. وقتی مردم عادی از عملکرد برخی از روزنامه‌نگاران رنجیده‌خاطر شوند تقاضا می‌کنند که خط‌مشخصی باید تعیین‌کننده رفتار حرفه‌ای روزنامه‌نگاران باشد تا بتوانند به‌طور دقیق افراد غیرحرفه‌ای را مشخص کنند. البته وجود این قانون به این معنا نیست که عموم بتوانند از آن استفاده کنند بلکه فقط افرادی خاص یا بخشهایی از دولت که از نظر حرفه‌ای ارتباطی با گروه روزنامه‌نگاران داشته باشند می‌توانند از این قانون استفاده کنند. در ارتباط با آیین‌نامه رفتاری حرفه روزنامه‌نگاری، سه گروه از آیین‌نامه رفتاری روزنامه‌نگاران بهره می‌گیرند: نخست خوانندگان مطبوعات و مجله‌های هفتگی و ماهانه هستند که دائم با کار روزنامه‌نگاران سروکار دارند. شروطی که در آیین‌نامه مستتر است اغلب به مختصات گزارشهایی که توسط روزنامه‌نگاران تهیه می‌شود توجه دارد و این که محتوای گزارش باید واقعی، دقیق و عینی باشد. جالب است که طرح کلی آیین‌نامه بیشتر در جهت حمایت خواننده طرح شده است تا او بتواند بر مبنای اطلاعاتی که به دست می‌آورد، به تصمیم‌گیری روزانه دست بزند.

دوم افرادی هستند که اکثر روزنامه‌نگاران اطلاعات خود را از آنان اخذ می‌کنند. برای مثال یک ماده آیین‌نامه تأکید دارد که روزنامه‌نگار نباید نام منابع معتبر را فاش کند. سومین مورد بهره‌گیری از آیین‌نامه رفتاری روزنامه‌نگاران مربوط به زمانی است که روزنامه‌نگاری در حال تحقیق و تفحص است. تا زمانی که تحقیق ادامه دارد، او نام افراد را نباید فاش کند. علاوه بر این در آیین‌نامه به صراحت تشریح شده است که گزارشگر حق تهدید و آزار شخص یا اشخاص و حق ورود به حریم شخصی آنها را ندارد.

### علاقه خوانندگان یا پیام‌گیران رادیو و تلویزیون

بسیاری از مردم روزنامه می‌خوانند به رادیو گوش می‌کنند و برنامه‌های مورد علاقه خود را از تلویزیون تماشا می‌کنند. برخی از شنیدن یک خبر و یا دیدن یک حادثه در تلویزیون یا یک برنامه تفریحی و یا خواندن قصه‌ای در هفته‌نامه یا روزنامه ممکن است نهایت لذت را ببرند. برخی ممکن است ناراحت شوند و معدودی هم عصبانی. آنچه این پیام‌گیران در نهایت انتظار دارند درستی صحت آن چیزی است که می‌خوانند، می‌شنوند و یا مشاهده می‌کنند. در آیین‌نامه اخلاقی روزنامه‌نگاران بیشتر تأکید بر درستی، صحت، عینیت و دقت گزارشگران است. آنها باید از هرگونه مخدوش کردن حقیقت و نادرست تعبیر کردن گزارش که موجب مغشوش کردن اذهان عمومی شود خودداری کنند. در برخی موارد، گزارشگران به علت بی‌دقتی، تبلی و عدم رسیدگی به صحت و سقم منابع اطلاعاتی و یا مغرور بودن به خود موجب پیدایش بحران در افکار عمومی شده‌اند. بارها در غرب نابخردی و تکبر بیش از حد موجب پدید آمدن بحران در حرفه روزنامه‌نگاری شده است. یک گزارشگر همیشه باید بکوشد نه دست‌آموز گروه‌های فشار شود و نه خود از فنون دست‌آموزی برای اقناع افکار عمومی استفاده کند.

**منابع:** بسیاری از افرادی که اطلاعات لازم را برای روزنامه‌نگاران فراهم می‌کنند، علاقه‌مندند که از نظر عموم شناسایی شوند. برای مثال این افراد ممکن است سخنگوی رسمی گروه ذی‌نفوذ یا دولتی باشند یا آن که یکی از شهودی باشند که ناظر بر یک حادثه طبیعی بوده است. در همین زمینه افراد دیگری هم هستند که علاقه‌مند به دادن اطلاع هستند، با این شرط که هویت آنان فاش نشود. چنین تقاضاهایی اغلب از طرف افرادی است که در سازمانهای دولتی یا خصوصی کار می‌کنند و می‌خواهند در مورد فساد دستگاه اطلاعات مهمی را به رسانه بدهند. اگر هویت آنان فاش شود ممکن است شغل خود را در اداره مورد گزارش از دست بدهند و یا در شرایط استثنایی ممکن است زندگی آنها به مخاطره بیفتد.

اغلب آیین‌نامه‌های رفتاری روزنامه‌نگاران با صراحت تأکید بر حفظ هویت اطلاع‌دهنده تأکید دارند. در برخی مواقع اگر افراد یا سازمانهای مظنون به دادگاه شکایت کنند، روزنامه‌نگار به خاطر حفظ هویت منبع اطلاعات، به زندان محکوم خواهد شد.

همیشه احتمال دو نوع خطر برای افرادی که در کار خبر هستند وجود دارد: اول درباره عمل اخذ اطلاعات از منبع و دوم انتشار اخبار. برخی از آیین‌نامه‌ها مستقیماً به این نکته اشاره دارد که روزنامه‌نگار نباید زندگی خصوصی کسی را برملا کند.

### **حمایت از روزنامه‌نگاران چگونه است؟**

اکثر مواد آیین‌نامه رفتاری روزنامه‌نگاران به‌طور بدیهی براین مبناست که افراد جامعه را حمایت کند نه روزنامه‌نگاران را. البته در کشورهایی که گزارشگران و سردبیران از ترس قانون رنج می‌برند، آیین‌نامه رفتاری برای ایجاد یک نوع همبستگی در بین روزنامه‌نگاران به کار برده می‌شود. برای مثال در آیین‌نامه رفتاری جامعه روزنامه‌نگاران در کشور ونزوئلا عبارتی وجود دارد که روزنامه‌نگاران را ملزم می‌کند از همکاران خود حمایت کنند. به ویژه هنگامی که سازمانهای حقوقی در مورد روزنامه‌نگاران مرتکب بی‌عدالتی شوند. در کشورهایی که روزنامه‌نگاران از بی‌عدالتی قانونی کمتر آسیب دیده‌اند عباراتی در آیین‌نامه رفتاری آنها طرح شده است که توجه به حمایت روزنامه‌نگاران چندان قابل ملاحظه نیست. تنها موضوعی که در اغلب این آیین‌نامه‌ها مطرح است، سرقت ادبی است که موضوعی جدی تلقی شده است.

### **فصل ششم: سیاست، زندگی شخصی و عمومیت**

یکی از موضوعات عمده در اخلاق حرفه روزنامه‌نگاری، دخالت در حریم شخصی زندگی افراد است. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که حریم زندگی خصوصی بی‌نهایت مورد احترام است و نباید به رسانه‌ها اجازه ورود به این حریم را داد. گرچه در جامعه شرایطی وجود دارد که تمایل زندگی خصوصی را به عمومیت افزایش می‌دهد و افراد بسیاری هستند که بیشتر فعالیتهای آنان وابسته به زندگی عمومی است. این نوع زندگی البته در تضاد بین زندگی خصوصی و عمومی است باید توجه داشت زندگی خصوصی و حریم آن محترم است و حق افراد است ولی متأسفانه در شرایط خاصی، علاقه عموم حق حریم خصوصی زندگی را از برخی افراد جامعه سلب می‌کند. البته در شرایطی، دخالت در احوال شخصی افراد به خاطر منافع عموم قابل توجیه است. مثلاً فاش کردن روابط خصوصی نامشروع یک سیاستمدار یا یک عضو رسمی دولت - با توجه به مسؤولیت اجتماعی آن شخص - بی‌احترامی به حریم شخصی تلقی نمی‌شود. چون

زندگی یک سیاستمدار یا عضو برجسته دولت باید سرمشق دیگران و همه امور مربوط به روابط او اعم از خصوصی یا عمومی باید آشکار باشد. شاید این یکی از راههای جلوگیری از فشار تلقی شود.

### روابط خصوصی و عمومی در جوامع پیشرفته

روابط خصوصی یا احوال شخصی بسیار با احترام و با ارزش است چون از نقطه نظر بین‌المللی روابط خصوصی و خانوادگی قابل احترام شناخته شده است. روی این اصل ماده ۱۲ حقوق بشر از سال تصویب آن در ۱۹۴۸ به طور واضح شرح می‌دهد که نباید زندگی فامیلی و خصوصی افراد مورد دخالت دیگران قرار گیرد و یا روزنامه‌نگاری حیثیت و آبروی فرد یا فامیل کسی را زیر سؤال ببرد. هر کس حق دارد از حمایت قانون در مورد دخالت در امور زندگی‌اش برخوردار شود. حمایتی که برای احوال شخصی در قانون مطرح است، در سالهای اخیر در سه مورد متفاوت مورد پرسش قرار گرفته است:

۱. تحت نظر قرار دادن خصوصیات زندگی فردی توسط سازمان امنیت و پرونده سازی در مورد افراد با روشهای غیرقانونی مانند ضبط مکالمات تلفنی یا شنود غیرقانونی.
۲. دسترسی غیرقانونی به پرونده‌های شخصی که از طریق رایانه نگهداری می‌شود، مانند اطلاعات پزشکی، امور مالیاتی و مالی که یک جنایت محسوب می‌شود.
۳. دخالت در امور خصوصی افراد از طریق مطبوعات و علنی کردن تصاویر آنها توسط قصه‌پردازی یا چاپ عکس که نوعی بی‌حرمتی و عدم رعایت اصول اخلاقی روزنامه‌نگاری است.

### سیاست، اخلاق و زندگی خصوصی

برای دست‌اندرکاران مطبوعات کار بسیار سختی است که بین زندگی خصوصی افراد و زندگی عمومی آنان تفاوت قائل شوند. اغلب وقتی می‌خواهند مرز زندگی خصوصی و عمومی را قانونمند کنند تا مطبوعات و وظیفه خود را بدانند اغلب با مشکل مواجه می‌شوند. در کشور انگلیس به واسطه قوانین متعدد در مورد محدودیت مطبوعات در ارتباطات، پیچیدگی چه موضوعی محرمانه تلقی می‌شود که قانون انتشار آن را منع کرده است و بیشتر مطبوعات را دچار اشتباه در تفسیر قانون می‌کند. به‌طور آشکار می‌شود گفت؛ قوانین حمایت از زندگی خصوصی گاه موجب سوءاستفاده افراد از قانون می‌شود. البته باید توجه کرد که اطلاعات ضرورت جامعه آزاد است. از این رو نیاز به اطلاعات، عامل اصلی حیات جامعه دموکراتیک است. یک جامعه دموکراتیک نیاز به آزادی اطلاعات و آزادی بیان دارد و این دو به مطبوعات نقش بسیار مؤثر و حساسی می‌بخشد.

## فصل هفتم: صداقت در روزنامه‌نگاری پژوهشی

مردم به‌طور اصولی حق دارند که بدانند حوادث مهم و مورد علاقه‌شان چگونه به‌وسیله رسانه‌های ارتباط جمعی مطرح می‌شود. گزارش واقعیت، وظیفه اصلی روزنامه‌نگاری است. درستی کاملاً ضد دروغ است. شما هرگز نباید دروغ بنویسید مگر شرایط ناگهانی تغییر کند و به شما تحمیل شود. وقتی دروغی فاش می‌شود دفاع از آن کار آسانی نیست، هرچند که شرایط تعیین‌کننده باشد. تاکنون دو مسئله برای گفتن دروغ را می‌شود بررسی کرد؛ اول آن که وظیفه شما نگفتن دروغ است مگر آن که شرایطی موجب ایجاد فشار و تغییر شرایط شود. در این صورت گفتن دروغ را از نظر اخلاقی توجیه می‌کنید. وظایف اعم از کامل یا ناقص در هیچ طبقه‌بندی از نظر اخلاقی قرار ندارد. البته هر نوع قضاوتی به بررسی شرایط آن نیاز دارد. در اغلب موارد بین روزنامه‌نگار و مصاحبه‌شونده اعتمادی متقابل وجود دارد اما باز هم نمی‌توان در مورد صحت و سقم آنچه در مصاحبه ردوبدل می‌شود، با یقین اظهارنظر کرد در واقع قضاوت در این گونه موارد کار آسانی نیست. به عنوان مثال ممکن است روزنامه‌نگار و پژوهشگر، گزارشی دروغین تحویل سردبیر بدهد. در چنین شرایطی احتمال دارد که سردبیر متوجه نشود که اصل قصه ساختگی است و قضیه تمام شود. به‌رحال در بسیاری موارد تشخیص صحت و سقم گزارش کار آسانی نیست و صداقت و شرافت روزنامه‌نگار نقش بسیار مؤثری در این میان دارد.

## فصل هشتم: عینیت، جانبداری و حقیقت

مورد شناسی‌های این فصل چندان ارتباطی با تجربه روزنامه‌نگاری در کشور ما ندارد. از این‌رو از اقتباس این فصل خودداری شده است. *گناه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی*

## فصل نهم: زن و مطبوعات

با توجه به ساختار و مالکیت رسانه‌ها در کشور انگلیس، زن در این ساختار مطرح نیست. در کشور ما هم زن‌ها در مالکیت یا سردبیری مطبوعات نقش عمده‌ای ندارند. بنابراین از اقتباس این فصل هم به علت نامربوط بودن موضوع خودداری شده است.

## فصل دهم: اکسیژن عمومیت، تروریسم (وحشت افکنی) و محدودیتهای گزارشگری

اغلب مطالب این فصل مربوط به رسانه‌های انگلیس در ارتباط با فعالیتهای آزادی‌خواهان ایرلند شمالی است. از این‌رو ضرورت چندان برای ترجمه آن وجود ندارد.

## فصل یازدهم: حقیقت مسائل اخلاقی و ارزشها پیرامون گزارشگری جنگ

گفتار فصل یازدهم نیز در مورد گزارش جنگ استعماری انگلیس در مورد ادعای آرژانتین درباره

جزایر فالکلند است که به مسائل روزنامه‌نگاری در ایران مربوط نمی‌شود. □

- این مقاله ترجمه و اقتباسی از کتاب زیر است:

Ethical Issues in Journalism the Media.

Edited by Andrew Belsey and RuthChadwick. Routledge. 1994

